



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئیننامهها - بخشنامهها - آگهیهای رسمی وقانونی و سؤالات

سال ششم - شماره ۱۵۲۴

میر: سید محمد باقی

۴شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۹

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۲۱

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

- ۱- اجرای مراسم تحلیف از طرف آقای محمد علی نصرتیان .
- ۲- تصویب صورت مجالس ۱۲ و ۱۴ اردیبهشت.
- ۳- طرح سؤال آقای ناظرزاده کرمانی وجواب آقای وزیر کشور.
- ۴- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع به شور اول فروش خالصجات .
- ۵- ختم جلسه بعنوان تنفس .

مجلس یکساعت و بیست و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای گنجی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- اجرای مراسم تحلیف از طرف

آقای محمد علی نصرتیان

نایب رئیس - آقای نصرتیان بفرمائید برای

ادای قسم.

(در این موقع کلام الله مجید را با احترامات لازم بمجلس آورده روی میز خطابہ گذارده و حضار با احترام آن قیام نمودند)

متن قسم نامه بشرح ذیل توسط آقای نصرتیان قرائت و آنرا امضاء نمودند :

ما اشخاصی که در ذیل امضاء مینمائیم خداوند را بشهادت معلیم و بقرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس ومجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ ومجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است

مهما ممکن با کمال راستی ودرستی وجد و جهد انجام بدهیم ونسبت باعلی حضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق وراستگو باشیم وباساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم وهمچمنظوری نداشته باشیم جز فوائده ومصالح دولت ومملت ایران .

۲- تصویب صورت مجالس

۱۲ و ۱۴ اردیبهشت

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه گذشته قرائت میشود :
(شرح ذیل قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : یوسف شکرانی ، محمدعلی منصف ، احمددهقان . سرتیپ زاده ، عبدالوهاب اقبال ، حمیدیه ، نفا الاسلامی .

غائبین بی اجازه - آقایان : محمود معدودی ، دکتر مصباح زاده ، فرهودی ، مرتضی حکمت ، نصرتیان ، ابریشم کار ، سالار سنندجی ، حسن اکبر ، تیمورتاش ، معذل ، سودآور

ابریشم کار - بنده بوسیله تلگراف اجازه خواسته بودم

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلسهای ۳شنبه ۱۲ و ۱۴ اردیبهشت اعتراضی نیست ؟

آشتیانی زاده - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - راجع بصورت جلسه است ؟

آشتیانی زاده - بلی ، در جلسه قبل که آقای

امامی راجع بشاهرخ مذاکراتی فرمودند . پس از اینکه آقای نخست وزیر جواب ایشان رادادند درخاتمه

اظهارات آقای نخست وزیر بنده سؤال کردم ازایشان که آیا شاهرخ رئیس تبلیغات کماکان هست یا نیست ؟

ایشان جواب دادند نیست ظاهراً و چنین چیزی در صورت جلسه قید نشده (هدای از نمایندگان - نگفتند

که نیست) ودر ثانی بنده از آقای وزیر دادگستری سؤال کردم که نسبت بتبعید آیت الله کاشانی وبعضی

اشخاص دیگر چرا جواب نمیدهند و باز در صورت جلسه قید نشده ، راجع بموضوع تقسیم اراضی خالصه هم بنده

در یک قسمتی اظهار کردم که اگر قرار باشد کزارهین و کشاورزان که در یکده خالصه ساکن هستند و مالک

آن ده دولت بوده است واز نظر خصوصیات معیشتی ومداری کاملاً متشابه بده مجوار اربابی بوده اند مشمول یک چنین

رجعانی بشوند این بی انصافی وظلم مهم است وهمچنین این قسمت هم قید نشده ودر آخر بنده اظهار کردم که

ما باید برای مردم ، برای رها بای بی بضاعت تهیه وطن بکنیم تا مثل سایر آقایان مالکین بزرگ وسرمایه داران

عظیم الشان از وطنشان دفاع بکنند ووطن پرست بشوند این نکته نیز ذکر نشده

● همین مذاکرات مشروح بیست و یکمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

نایب رئیس - نسبت به سمت اول اگر در تندنویسی سابقه داشته باشد البته اصلاح میشود قسمتهای دیگر هم البته اصلاح میشود. آقای بیراسته

پیراسته - عرض کنم که آقای مکی راجع به پرونده محمد مسعود اظهاراتی کرده بودند در صورت مجلس هم قید شده چون تنها من در مجلس در پرونده محمد مسعود دخالت داشتم اجازه میخواهم که یاد صورت مجلس و با عنوان ماده ۹۰ اجازه بفرمائید عرضم را عرض کنم

نایب رئیس - میتوانی اسم نویسی کنی و در جلسه آینه صحبت نمایی

پیراسته - صحبتهایی شده که باید جواب گفته شود بملاوه بنده لازم میدانم که چون این مسئله خیلی مهم است بر عرض مجلس شورای ملی برسد (مکی) بنده اسم کسی را نبردم چون فقط بنده در پرونده محمد مسعود دخالت داشتم بنا بر این بنده حق دارم که بیایم توضیح بدهم

نایب رئیس - بسیار خوب مطابق نظامنامه باید در صورت مجلس صحبت کنید نه راجع بمطالبی که گفته شده (پیراسته) پس حق بنده محفوظ باشد) آقای صفوی نسبت بصورت مجلس فرمایشی دارید؟

صفوی - بلی. عرضم راجع به تند نویسی است که الان دو صورت مجلس در راهرو بماداند یکی راجع به ۳ شنبه دوازدهم اردیبهشت و یکی هم راجع به ۵ شنبه چهاردهم اردیبهشت این صورت مجلسها خیلی مفصل است و فرصت اینکه ما تمام را مطالعه کنیم نیست میخواستم تمنی بکنم گذر باره اداره تند نویسی بیشتر نسیه مجلس ترتیبی برای اینکار بدهند کاین صورت مجلس زودتر لااقل چند ساعت زودتر بماداده شود که بتوانیم تذکر خودمان را اظهار بکنیم

نایب رئیس - بطوریکه اطلاع داده شده از تند نویسی چند نفر رفته اند به نظام وظیفه البته يك مختصر نواقصی هست که بزودی مرتفع میشود.

آقای اردلان - يك مختصر اشتباهی در صورت جلسه هست در پیشنهادی که بنده کردم راجع به بیمه قنوت این جا اشتباها نوشته است که «دولت ممکن است» در صورتیکه پیشنهاد بنده این بود که «دولت مکلف است»

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای مکرم

مکرم - غائبین بدون اجازه اسم آقای تیمورتاش قرائت شد خواستم عرض کنم ایشان با اجازه برای يك هفته برخصی رفته اند استدعا میکنم بفرمائید اصلاح بشود.

نایب رئیس - آقای بزرگنیا

بزرگنیا - بنده هم راجع به آقای تیمورتاش میخواستم تذکر بدهم.

نایب رئیس - بسیار خوب اگر تقاضای مرضی کرده باشد اصلاح میشود. آقای شوشتري

شوشتري - بنده در تقریرات آن روز هم عرض کردم که از ۱۰ سال باید تجاوز کند نه ۱۲ تا ۱۵ سال متنی قیما گنم ۹ برابر که ۲ قسمت از ۹ قسمت

را خود مالك بمباشرت خودش صرف ملك بکنند و برای آبیاری و درختکاری و در آن ثلث اول ۱۲ سال که ۴ سال است یا ۱۰ سال که ثلث اولش ۵ سال است دیگر چیزی نهد که این زارع بدبخت بتواند کار کند این قسمت قید نشده یعنی آن ثلث اولی که خودش دارد خرج بکنند برای آبیاری و غرس اشجار این دیگر همان یول است و دیگر در سه چهار سال اول از ش بولی گرفته نشود این را قید کنند.

نایب رئیس - صورت مجلسهای سه شنبه ۱۲ و پنجشنبه ۱۴ اردی بهشت ماه تصویب میشود آقای وزیر کشور جناب عالی حاضر برای جواب سؤال آقای ناظرزاده هستید؟

۳- طرح سؤال آقای ناظرزاده کرمانی و جواب آقای وزیر کشور اردلان (وزیر کشور) - بنده حاضر هستم

نایب رئیس - آقای ناظرزاده کرمانی در باره سؤالیکه از وزارت کشور کرده بودید توضیح بفرمائید.

پیراسته - بنده اخطار دارم

ارباب - بنده هم سؤالی کرده بودم

ناظرزاده کرمانی - عرض کنم که چند هفته قبل از این ما اطلاع پیدا کردیم که هیئت تصفیه از جمله اقداماتی که خواستند بکنند یکی هم مربوط بفرمانداری شدن کرمان بود.

نورالدین امامی - این قانونی نیست و لش کن

بهادری - صحیح نیست، هیئت تصفیه نمیتواند اینکار را بکند

یکتفر از نمایندگان - دولت هم نباید اجرا بکند

ناظرزاده کرمانی - همین امروز طرحی تهیه شده از طرف عدهای از آقایان نمایندگان که بطور کلی ما این عمل هیئت تصفیه را قانونی نمیدانیم (صحیح است) (فقیه زاده - طرحش هم تهیه شده الان داده میشود) باین ترتیب از طرفی هم خود هیئت تصفیه متوجه شده اند که فرمانداری کردن يك استان وسیعی مثل کرمان با آن سوابق تاریخی اصولا کار درستی نیست و از این کار صرف نظر کردند، خودشان صرف نظر کردند (مکرم) تنها از کرمان صرف نظر کردند؟ بنده تصور میکنم خود هیئت تصفیه متوجه شده باشد و اگر متوجه نشده باشد دولت متوجه شده که ترتیب اثر دادن باین پیشنهادات جز عصبانی کردن عده زیادی از مردم ولایات و شهرستان ها و استانها و همچنین نمایندگان مجلس فایدهای ندارد و امیدوار هستیم ... (صفائی) آنها متعذرتند که عصبانی بکنند) بنده اینجا عرض کردم حالا که از دولت کاری برای ایجاد حسن نیک بینی در بین مردم بر نمی آید چرا بیجهت آنها را عصبانی و رنجیده میکند (فرامرزی) در دل دوست بهرحیله رهی باید کرد) نسبت به سؤال بنده چون کرمان استانداری اعلام شده بالطبع يك قسمتی از آن از بین میرود اما نسبت بدو فرمانداری رفسنجان و جیرفت

این اعتراض باقی است (عدهای از نمایندگان کلی است) (وزیر تکرر افاتی مردم کرده اند که همان موقع عدهای از آقایان نمایندگان بنده گفتند چون سؤال تو راجع بحکمرمان است روزی که بنا هست توضیح داده شود در مجلس از طرف ما بگو که هیچیک از نمایندگان موافق با این عمل هیئت تصفیه نیستند (صحیح است) و این پیشنهادی که هیئت تصفیه کرده یا تصفیه که گرفته بطور کلی مورد تصویب مجلس شورای ملی نیست (صحیح است) حالا دیگر نمیدانم جناب آقای وزیر کشور امروز نسبت باین موضوع چه توضیحی میدهند ولی بنده امیدوار هستم توضیح ایشان طوری باشد که رضایت همه نمایندگان مجلس شورای ملی و هم چنین مردم حوزههای مختلف فراهم بشود.

صفائی - صحبت رضایت نیست صحبت اجرای قانون است یعنی چه.

اسلامی - اصلا مدت قانونی ۴ ماه و ۴ ماه هم منقضی شده.

نایب رئیس - آقای اردلان وزیر کشور.

اردلان (وزیر کشور) - سؤال نماینده

محترم همینطوری که خودشان اظهار فرمودند راجع باستان کرمان بود که خود هیئت تصفیه هم متذکر شده بود که استان کرمان در قانون اساسی مصرح است و برخلاف قانون اساسی اقدامی نمیتواند بکند و ایشان در خانه صحبت راجع بکلیه تصمیمات هیئت تصفیه اظهار فرمودند و نظریات آقایان نمایندگان محترم هم معلوم است که از چه قرار است بنده خلاصه نظر هیئت تصفیه و اقدامی که دولت در نظر داشته بعرض نمایندگان محترم میرسانم هیئت تصفیه بنا بآن قانونی که اختیارات معینی به هیئت تصفیه داده شده بود نسبت به تقسیمات کشور و سازمان وزارت کشور هم نظریاتی داده بود (حاذقی) همچو اختیاری داده نشده بود) اجازه بفرمائید بنا بر آن اختیارات يك تقسیماتی برای کشور و يك سازمانی هم برای وزارت کشور معین کرده که جناب آقای نخست وزیر نوشته بودند و از طرف آقای نخست وزیر هم وزارت کشور نوشته شد

کاین نظریات هیئت تصفیه است ترتیبی برای اینکار در نظر بگیرد، چون چند چیز بود که محتاج بود آنجا صحبت بشود فیراز اصل موضوع که البته بسته بنظر نمایندگان محترم است متلا راجع بسازمان ژاندارمری گفته شده بود که هیئت تصویب شد خود بنده هم البته نظر دارم که سازمان ژاندارمری کم است بایستی که مجلس شورای ملی کمک بفرماید کاین سازمان تکمیل بشود (صحیح است) ولی چون همین موضوع يك اثر بودجه ای داشت دخل صحبت بود که به بینیم در بودجه ای که مجلس شورای ملی برای امسال تصویب بفرماید چنین اعتباری داده می شود یا نه این خودش يك نکته اساسی و برجسته ای بود برای یکی از مواد هیئت تصفیه، یکی راجع بانقالت اشخاصی که در نتیجه اجرای این تصمیم بیکار میمانند با وزارت فرهنگ داخل کرده و مکاتبه شدیم که خوب بچه طرز می خواهند اینها را اجرا کنند ولی چون برای دولت معلوم نبود که آیا هیئت تصفیه

می تواند بآن قانونی که برای ایجاد هیئت تصفیه از مجلس شورای ملی گذشته است نسبت به تقسیمات کشور هم تغییراتی بدهد (عدهای از نمایندگان چنین حقی ندارند) آقایان توجه بفرمائید این محل نظر بود که مجلس شورای ملی در آن قانونی که ایجاد هیئت تصفیه کرده آيا اجازه تفسیر يك قانونی هم داده یا نداده (نمایندگان) ابدأ نداده) خوب آقایان بفرمائید نداده این يك تفسیری لازم دارد چون هیئت دولت وقت که نمی تواند خودش تفسیر کند که آیا آن قانون شامل این است اختیارات میشود یا میشود دولت نمی تواند در این باب نظر بدهد بنا بر این از آقایان نمایندگان محترم تقاضا می کنم که نظر صریح خودشان را در این باب بفرمائید و اما نظر بنده البته این بوده که در هیئت دولت بودم و چه نبودم و با اینکه در مجلس یا خارج مجلس نظرم این بوده و اینطور حس کردم که مقصود این بوده است که تصفیه از اشخاص بشود (صحیح است) اشخاص بدرا کنار بگذارند و اشخاص خوب را تشویق بکنند (صحیح است) و اینکار متأسفانه نشده حالا هر چه نظر آقایان است اظهار خواهند فرمود

فرامرزی - اینهم که قانون لازم ندارد دولت می تواند اینکار را بکند

مهملی ارباب - بنده اخطار دارم

نایب رئیس - مطابق چه ماده ای؟

مهملی ارباب - ماده ۱۴۶ آئین نامه داخلی

نایب رئیس - قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴۶ - اظهار راجع بمنانی بودن لوايح و طرحها با قوانین کشور یا اخطار راجع بنظامنامه داخلی مجلس مقدم بر اظهارات دیگر است و مذاکرات در موضوع اصلی را متوقف می کند و باید در نهایت اختصار بعمل آید

نایب رئیس - آقای مهملی ارباب

اسلامی - بنده هم بموجب همین ماده اخطار دارم

مهملی ارباب - بنده مقدمه ناچار متذکر شوم که در این جریان هم هیئت تصفیه میخواهد پوست خریزه زیر پای دولت بگذارد و هم دولت میخواهد پوست خریزه زیر پای هیئت تصفیه بگذارد (سالار بهزادی) این کار هیشکی است (امام موضوع اخطار بنده تبصره ۲۷ از ماده دوم قانون بودجه ۱۳۲۸ مصوب ۲۳ تیرماه ۱۳۲۸ میگویید دولت مکلف است بوسیله هیئت تصفیه در مدت چهار ماه کادر لازم وزارتخانه ها و بنگاههای دولتی را تعیین و مستخدمین اضافی را با بودجه آنها برای اجرای تعلیمات عمومی در تمام کفو با اختیار وزارت فرهنگ بگذارد، این دولت نمیتواند این تصمیمات هیئت تصفیه را اجرا کند ۴ ماه مدت قانونی در ماه آبان منقضی شده

بچه بوجه دولت صالح نیست که این تصمیمات اجرا بکند (صحیح است) مضافاً باین که بنده چاه بهار را نمیشود بخشداری کرد، ایرانشهر را نمیشود بخشداری کرد اقدامات تخریبی بس است، (احسن، احسن).

پیراسته - بنده اخطار نظامنامه ای دارم

نایب رئیس - بموجب چه ماده ای؟

پیراسته - ماده ۹۰ آئین نامه

وزیر کشور - اجازه بفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید.

اردلان (وزیر کشور) - بنده يك كلمه ای را که ندانستم چرا نماینده محترم اظهار فرمودند این بود که دولت پوست خریزه ای شاید میخواهد زیر پای کسی بگذارد و بنده چون نماینده دولت هستم باید اطلاع بدهم که همچو اقدامی از طرف دولت نشده است.

نورالدین امامی - خریزه هنوز در نیامده

نایب رئیس - ماده ۹۰ قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

اگر در ضمن مذاکرات صریحاً یا تلویحاً نسبت سوئی بیکی از نمایندگان داده شود یا عقیده و اظهار او را برخلاف واقع جلوه دهند و نماینده مذکور برای رد آن نسبت یا رقع اشتباه اجازه نطقی بخواهد بدون رعایت نوبت با اجازه داده می شود و نطق او نباید از مدتی که در فقره ۳ بند الف ماده قبل معین شده تجاوز نماید.

فرامرزی - هیئت رئیسه مجلس خودش مأمور تلف کردن وقت است ما که میدانستیم ماده ۹۰ مربوط بچیست

نایب رئیس - آقای پیراسته

پیراسته - عرض بنده خیلی مختصر است و از آقای مکی هم تشکر میکنم که ببنده فرصتی دادند

يك موضوعی را که بقین داشتم مورد علاقه آقایان نمایندگان است و نا بحال هم فرصت نکرده ام یعنی موردی نداشته که توضیح بدهم بعرض آقایان محترم برسانم و آن موضوع پرونده قتل محمد مسعود است (آشتیانی زاده - رحمت الله علیه) (آزاد - تصدیق بفرمائید که خون محمد مسعود از بین رفت)

آقای آزاد اجازه بفرمائید عرض کنم در این پرونده بنده دانستان بودم و بنا بر این در این مجلس آنطور که آقای مکی گفتند جز بنده در پرونده کسی شرکت نداشته است بنا بر این بنده باید توضیح بدهم و توضیح بنده هم بسیار مختصر است و در خانه توضیحاتم هم پیشنهادی که تهیه کرده ام تقدیم میکنم باین ترتیب که تمام نمایندگان که سابقه کار قضائی دارند تحت ریاست و نظر جناب آقای دکتر مصدق السلطنه که مورد اعتنا همه ما مورد اطمینان همه مردم هستند تشکیل بشود این پرونده را بخوانند و بعد از يك مطالعه گزارش آرا بجمع بدهند اگر تخلفی شده آن تخلف را گزارش بدهند و تعقیب بکنند و اگر تخلفی نشده لااقل منت ایران از این جریان مستحضر شود عنت اینکه این پیشنهاد را کردم این است که مطابق قانون مراجعه به پرونده جزائی از طرف اشخاص غیر عیاز نیست بنا بر این اگر آقای دکتر مصدق السلطنه حالا بخواهند این پرونده را بخوانند مطابق قانون در دستر شان نیکنند بنده با این پیشنهادی که کرده ام مطرح گردد و آقای دکتر مصدق السلطنه که علاوه بر

که سابقه کار قضائی دارند تحت نظر و ریاست جناب آقای دکتر مصدق السلطنه کمیته ای تشکیل بدهند این پرونده را بخوانند و بیابند حقایق را گزارش بدهند بنده یکی از اقتضات زندگیم تعقیب پرونده قتل محمد مسعود است (مکی - صحیح است) توضیح هم خواهم داد با اینکه با جنجال با مهاباد باوچی بازی خواستند که بنده را مرعوب کنند و من وظیفه ام را انجام ندهم من وظیفه ام را انجام دادم و پیش خدا و پیش وجدان و پیش ملت روسفید هستم هر کس جز بنده دانستان بود که میخواست این کار را انجام بدهد که میخواست نترسد که میخواست از مهاباد جنجال و تهمت و ناسزا که متاع رایج در این مملکت است نترسد باید همین کاری را که بنده کردم بکنند بنده اگر تخلفی کردم در این پرونده در نزد نمایندگان ملت میکروم که حاضریم همین جا بگذارد و بروم و از حقوق اجتماعی محروم بشوم و اگر آتاهائی که میخواهند با جنجال با مهاباد باوچی بازی پرونده را باین روز انداخته که ملاحظه بفرمائید و بنده این رسیده چنگ سیاسی شده است بنده عرض میکنم که مقصود از این پرونده همین چیزها بوده است ولی پرونده از بین نرفته و دلائل کافی دارد باعث اینکه تا بحال این پرونده منجر با اظهار نظر نهائی نشده همین حرفها بوده آقایان: در همان موقع این پرونده وسیله شده بود که هر کسی با هر کسی حساب خورده داشت يك کاغذی مینوشت از همین قبیل حرفها و حتی بعضی اشخاص هم که نماینده مجلس بودند راجع باین موضوع حرفهایی می زدند.

پرونده عدلیه دلیل میخواهد، قضائی هر کاری کرده سند دارد بنده دستور شفاهی که ندادم هر کاری کردم سند دارم، سند هم حالا موجود است از این جهت پیشنهادی را که کرده ام تقدیم مقام ریاست میکنم و تقاضا میکنم که باین پیشنهاد توجه کنید پیشنهاد بنده این است: مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد بنده این است که کمیته ای مرکب از آقایان نمایندگان که سابقه کار قضائی دارند تحت نظر جناب آقای دکتر مصدق تشکیل گردد که پرونده قتل محمد مسعود را مطالعه نمایند و در عرض مدت يك ماه نظر خود را نسبت بجرایم پرونده بمجلس شورای ملی گزارش نمایند (دکتر بقائی - اصلا قتل محمد مسعود تکذیب میشود کشته نشده است) بنده در تمام مدت زندگی شکر میکنم خدا را چون از خدا فقط مترسم از هیچکس و هیچ چیز ترسم و نخواهم ترسید، بنا بر این هر چه بگویم قضائی تهدید در بنده تأثیری نداشته و امیدوارم بعد از این هم نداشته باشد (دهقان - انشاء الله) راجع به پرونده همانطور که عرض کرده جزو مفاخر زندگی قضائی بنده است ولی این پرونده را استدعا میکنم و مصراً تقاضا میکنم که اگر این پیشنهاد هم حالا قابل طرح نیست در موقع منقضی پیشنهاد خواهم کرد و هر طرحی و هر لایحه ای از وزارت دادگستری بیاید بنده این پیشنهاد را خواهم کود و استدعا میکنم که مجلس قبول کند که این پرونده بیاید پشت تریبون مجلس و مطرح گردد و آقای دکتر مصدق السلطنه که علاوه بر

شخصیت اجتماعی و ملی که دارند حقوقدان هم هستند و آقایان نمایندگان هم بروند به بیئت که روی این پرونده اقدام و تعقیب شده یا نه. تا سیه روی شود هر که در او غش باشد، عرض دیگری ندارم.

مکی - بنده اخطار نظامنامه ای دارم.
نایب رئیس - طبق کدام ماده؟
مکی - طبق همان ماده ۹۰.
نایب رئیس - بفرمائید.

مکی - آقایان مسوق هستند که بنده آن روز اسم کسی را نبردم بهیچوجه (صدرزاده - صحیح است - اسم از کسی نبردید) از اول مجلس مخصوصاً بنده تصمیم گرفته بودم و رفقای من تصمیم گرفته بودند که با آقایان نمایندگان همکاری کنیم که بتوانیم يك کارهای مفیدی را انجام دهیم و از مجلس بگذرد (صدرزاده - حالا هم همینطور است) و حالا هم بنده بهمان نظر باقی هستم ولی وقتی که ایشان طعنه میزنند و صحبت‌هایی میکنند آدم مجبور است که از خودش دفاع بکند، بنده اسم آقای پیراسته را نبردم اسم بردم بنده - دلایلی دارم آقای آصفی را چرا از کار برکنار کردند؟ این سؤال بنده است دو تا استیضاح در مجلس دوره ۱۰ کردیم، آقایان خاطرشان هست، يك استیضاح روز بعد از واقعه قتل محمد مسعود کردیم اسم بردیم جناب آقای حائری زاده آن دو نفر در بانی‌ها که در لشکر تیرباران کردند اسم بردند و تمام جریان را گفتند بملاوه این پرونده که توی اداره آگاهی داشتند بهش رسیدگی میکردند و اشخاصی انجام وظیفه میکردند چرا این را از جریان باز داشتند، ایشان گفتند که این یکی از افتخارات من است البته افتخار است، افتخار آن موقعی بود که ایشان می‌آمدند و مجرم‌ها اینجا در پشت این تریبون معرفی می‌کردند، در پرونده مثلا فلان آدم بوده و بعد حکم رفت و محکمه نتوانست تصمیم بگیرد، يك قتلی که لوٹ شده چطور ممکن است که از افتخارات زندگی ایشان معسوب بشود (خنده نمایندگان) (پیراسته - بنده الان معرفی میکنم) اصلاً آنطوریکه ایشان تکذیب می‌کنند تصدیق می‌کنم که محمد مسعود در این مملکت کشته نشده (پیراسته - هوچی بازی نگذاشت تعقیب میکنم) هوچی‌بازی آن کسانی می‌کنند که می‌خواهند مردم را از راه راست منحرف کنند و آفتاب حقیقت را بیوشانند اینک گفتند پرونده را بیاورند اینجا برای دفع الوقت است، پرونده‌ای که در جریان هست يك طرح قانونی میخواهد که ۳۰ نفر بیایند امضاء کنند که مجلس شورای ملی اختیار بدهد این پرونده تحویل يك عده از حقوقدانهای مجلس بشود والا این پیشنهادی را که تقدیم مقام ریاست می‌کنند، مقام ریاست که نمی‌تواند طرح بکنند در دسترس اشخاص قرار بدهند (فرامرزی - ما امضای کنیم)

شوهتری - ما امضاء میکنم
۴- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون قوانین هارانی راجع به شورای فروش خالصجات نایب رئیس - مجلس وارد دستور میشود ماه سوم لایحه فروش خالصجات مطرح است

دهقان - قبل از دستور باید صحبت کنیم.
شوهتری - اجازه بدهید پس از دستور صحبت کنیم.
نایب رئیس - چون وقت گذشته است برای جلسه آینده، آقای آزاد بفرمائید.

آزاد - بنده با بعضی از قسمت‌های ماده سوم مخالف هستم که خدمت آقایان توضیح می‌دهم قسمت اول این است که نوشته شده است بوسیله کمیسیونهایی مرکب از يك عده مطلع یا متخصص کشاورزی از اهل محل، يك نفر نماینده بانک يك نفر نماینده ثبت و یا مهندس نقشه برداری صورت خواهد گرفت، بنده می‌خواستم در این جا توضیح بدهم که رئیس مالیه از سایر آقایان وظیفه‌اش بیشتر است زیرا رئیس مالیه این اداره خالصه در تحت نظر او بوده است او از میزان در آمد و میزان بهره برداری از دیگران بیشتر اطلاع دارد خوب است که آقای وزیر دارائی این قسمت را در نظر بگیرند که نمایندگان دارائی را هم در این کمیسیون شرکت بدهند قسمت دومی که بنده اعتراض دارم این است که کدر این جا نوشته شده است حداقل ۲۴۰۰ تومان، بنده می‌خواستم عرض کنم که خوب بود بجای این ۲۴۰۰ تومان مجازا بین رها یا تقسیم بشود زیرا ما مکرر دیده‌ایم که هر وقتی يك قانون وضع شده برای بهره برداری در مقابلش هم يك مؤسسه درست شده است که این مؤسسه مخارجش زیادتر از در آمد بوده است یا حداقل مساوی با آن در آمد بوده است زیرا بودجه کل کشور نشان میدهد که ۹۴ درصد خرج سازمان و پرسنل می‌شود الان در این لایحه نوشته شده است که بانک کشاورزی در مدت پنج سال می‌تواند این اراضی را بفروش برساند و بعد هم در مدت ده سال این پولها را بگیرد بنده میخواهم عرض کنم مخارجی که برای فروش این املاک خالصه تهیه می‌شود و مخارجی که برای گرفتن این پولها از از رعا یا بر آوردمی شود بطور قطع زیاد تر از آن از آن پولی خواهد بود که از راه فروش این املاک گرفته می‌شود بملاوه ۰۰۰ (مکرم - تشکیلات ما بیکسی است) شما می‌فرمائید تشکیلات ما یکی است ولی این اداره خالصه که این املاک خالصه را میدهد به بانک، بانک برای اداره کردن اینها مجبور است که کارمندان اداره خالصه را انتقال بدهد بایک سازمان تازه‌ای درست بکند که این سازمان عهده دار این کار باشد و انجام بدهد خود بانک باین کارمندان که دارد نمیتواند این کار را انجام بدهد جناب عالی الان در خاطران بسیاری يك روزی معلوم خواهد شد بولی که از درآمد فروش املاک خالصه تحصیل خواهید کرد کمتر از مخارجی است که برای این مصرف بعمل آمده موضوعی که بنده می‌خواستم در این جا اتخاذ سند بکنم این است که در مملکت میلیون ها پول نقد میشود سازمان برنامه ۱۶ میلیون لیره گرفته است و تا بحال يك شاهی برای مملکت را ندانم نداشته است يك کسی دیروز بن خبر داد که آقای شاهرخ زاده است بازو یارو روزی ۸ لیره بعنوان مخارج فوق العاده میگردد سه هزار تومان پاداش گرفته است و سه هزار تومان هم برای خرج مسافرت گرفته است (آشتیانی زاده - استیضاح کنید

شما از صبح تا شام این قدر پول مملکت را نقله میکنید چه عیبی دارد که این املاک خالصه را بین رها یا تقسیم کنید و بولی از آنها نگیرید، برای این که این مملکت مال این مردم است، جناب آقای وزیر دارائی بنده هم معتقد هستم برای اینکه این مردم وطنشان را دوست داشته باشند و علاقه به مؤسسات این مملکت داشته باشند اینها را صاحب علاقه بکنند الان يك مقداری املاک در این مملکت هست که منافع اینها را هر کسائی که املاک در اختیارشان هست جمع آوری میکنند و يك مقدار از منافع اینها را میفرستند بهارچه چون پول این اشخاص در خارجه است اینها هیچ علاقه‌ای باین مملکت ندارند که از وطنشان دفاع کنند برای اینکه در آن موقعی که پیشه‌وری آمده بود ما میدیدیم این اشخاص که پولهای خودشان را بخارج فرستاده بودند مستعد فرار بودند این زارع که در این مملکت علاقه‌ای ندارد که از وطنش دفاع کند، برای اینکه يك وجب زمین ندارد يك متقال آب ندارد لغت و هریان است بیاید از چه چیز این مملکت دفاع بکند، شما سعی و کوشش کنید که این مردم را دارای علاقه بکنید اقلاً يك وجب زمین برای اینها قائل بشوید که این اشخاص در مقابل این ملک از وطنشان دفاع بکنند، بنده در تاریخ خواندم که رومیها تا آن موقعی که خرده مالک زیاد داشتند میرفتند بچنگ همیشه فاتح بودند ولی موقعی که املاک آنها را سنا تورا ضبط کردند و گرفتند از آن زمان ببعد هر وقت قشون روم برای جنگ میرفت شکست می‌خورد و از آن زمان انعطاف روم شروع شد بنده میخواهم عرض کنم که شما سعی و کوشش کنید که این مردم در این مملکت دارای علاقه باشند این مردم باید دارای علاقه‌ای باشد که از وطنشان دفاع کنند حالا آقای وزیر دارائی استدعا میکنم يك توجهی بفرمائید به بیند این پولهایی که برای فروش این املاک خالصه در مملکت خرج میشود و به بودجه دولت تحویل میشود و مخارجی که برای وصول این پولها در این ده سال در بودجه شما منظور میگردد اگر چنانچه از پول این املاک بیشتر است پیشنهاد کنید مجازاً این رها یا تقسیم شود.

نایب رئیس - آقای نوبی (گفته شد نیستند) آقای ملک مدنی (گفته شد، نیستند) آقای بهادری؛ (گفته شد نیستند) آقای شوهتری.
شوهتری - بنده راجع ب ماده سوم عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای نورالدین امامی - (گفته شد نیستند) آقای مهدی ارباب بفرمائید.
مهدی ارباب - در قسمت آخر این ماده يك عبارتی نوشته شده که این در عمل ایجاد اشکال و مزاحمت میکند، يك روه‌ای که برای اصلاحات این کشور مسلم‌المفید است این است که بهر کیفیت است بایستی تماس مأمورین را در کار با مردم کم کرد و دایره عمل این کمیسیون‌ها را در کار مردم توسعه نداد تا بیش از این بدیش شوند این جابر آورد ارزش ملک یا زمین را فقط به استمداد خوبی و بدی زمین و استمداد زراعتی خریدار بر مقدار زمین را که بهر خریدار باید فروخته شود معین کرده است، این عبارت خیلی لاستیکی

است و در گامه استمداد در عمل ای بسا اشکالاتی ایجاد خواهد شد که کسی حاضر بخرید ملک هم نباشد ملک را باید طوری واگذار کنند بر مردم که چنانچه استمداد طبیعی دارد در نتیجه عمل و زحمت کشاورز آن استمداد باید آن کشاورز بشود و امیدوی بآن خودس داشته باشد (يك نفر از نمایندگان - آقای کشاورز صدر) نه آقای کشاورز صدر کشاورز ذیل و این عبارت طوری است که کاملاً سانسبت و کاملاً عمل تابع نظر امضاء آن کمیسیون فرار میکند و بجهت اینکه بهر کس می‌باید کمک میکنند و خواهند کرد و بهر کسی هم که نخواهند ملکی واگذار شود خود همین اشکالات کافی است که نگذارد بيك فرد زحمتکشی که دارای بند و بست نیست ملکی برسد (مکرم - آقای ارباب این هارا پیشنهاد بفرمائید) پیشنهاد کرده‌ام (مکرم پیشنهاد بفرمائید که چه باید کرد کمیسیون در نظر خواهد گرفت) پیشنهاد کرده‌ام و خوانده هم می‌شود. نکته دیگری که خواستم توضیح بدهم اینست که اصولاً املاک خالصه‌ای اطلاق بملکیت دولت باید بشود که دارای درآمدی باشد، اگر يك نقطه‌ای، بیابانی، فیض‌آب زابل که اراضی بایرزیاد دارد و همینطور اتمامه است و بلا صاحب این ملک را باید برای بگان بر مردم واگذار کند، انشاء الله آقای رئیس بهره برداری هم در آن جا توفیق نداشته باشد مردم بروند زحمت بکشند، از حاصل دسترنج خودشان استفاده ببرند (مکرم - يك قاعده مخصوصی دارد) خواستم این موضوع را هم عرض کرده باشم پیشنهاد هم تقدیم کرده‌ام ولی امیدوارم که توجه کاملی مبذول بشود

مکرم - این نظر جناب عالی تأمین است در لایحه **نایب رئیس** - آقای دولتشاهی بفرمائید.
دولتشاهی - يکی دیگر از نواقص این لایحه این است که فلاب عرض میرسانم، بنظر بنده در پایان ماده سوم نوشته شده است، حداقل هوایدی که فروخته میشود در حدود ۲۴ هزار ارباب است سابق بر این بنده در نظر دارم بیکردمی بودند که مذ سوماً در وزارت مالیه لوابیعی که بمجلس می‌آمد آن ها تنظیم میکردند ولی حالا نمایانم این لوابی را کجا تنظیم میکنند و با رضای يك وزیر معترمی مثل آقای وارسته میرسانند این جا گفته می‌شود که ۲۴ هزار ریال هایدی را باید هشت برابر بفروشیم ۲۴ هزار ریال بهشت برابر می‌شود (۱۹۲۰) تومان بده قسط از او پس بگیرند هر سال از این آدم (۱۹۲۰) تومان پس بگیریم پس برای او باقی می‌ماند (۴۸۰) تومان (وزیر دارائی - افزایش درآمد دارد در ده سال هوایدش اضافه میشود) این فعلاً اصل موضوع است در ظرف ده سال يك ملکی را که باین صورت میدهند چون نظر ارفاق است نظر معامله تجارتي نیست، شما می‌خواهید بيك مردمی ارفاق بکنید این زارع سال دوم مجبور است ملک خودش را بفروشد آقای وارسته يك کسی را که میگوید باید در ده بنشیند وزارت بکند با ماهی ۴۰ تومان نمی‌تواند زندگی بکند (يك نفر از نمایندگان - در این جا وقتی ۲۴ هزار ریال حساب کنید اینطور می‌شود البته این حد اقل است شاید بیشتر بشود)

اجازه بفرمائید بنده هم پیشنهاد کردم که حد اقل را بشصت هزار ریال قائل بشوند برای این که اگر شصت هزار ریال را باین صورتی که لایحه نشان میدهد در ۱۰ سال پول آن را پس بگیرند باز لا اقل سالی دو هزار تومان باقی می‌ماند که بکفرت بتوانند با سالی دو هزار تومان زندگی بکنند و اگر انشاء الله موافقت بکنید که يك مقداری بر مدت هم بیفزایند ممکن است آسایش برای شخص پیدا بشود والا اگر اینطور بشود اطمینان داشته باشد چیزی برای او باقی نخواهد ماند اطمینان داشته باشد سال دوم باید این را بفروشد در قسمت دوم این چون بنده همیشه سعی میکنم از حدود نظامنامه و آیین نامه بخارج نشوم عرض دیگری داشتم راجع ب ماده اول برای فروش این اراضی از طریق بانک این را هم میخواهم عرض کنم آقای وزیر دارائی این اکل از قفا است شما الان يك اداره مجهز و منظمی در امور مربوط بخالصه دارید انتقال این کار بیانک و دوباره تأسیس يك دستگاهی این به نظر بنده صحیح نیست و کار عاقلانه‌ای نیست همان اداره خالصه اگر بدند همه بدند و اگر خوبند همه خوبند.

نایب رئیس - آقای نریهان
نریهان - عرضی که بنده می‌خواستم بکنم آقای دولتشاهی کردند بنده با آن قسمت از ماده ۴ که می‌گوید فروش خالصه از طرف بانک کشاورزی صورت خواهد گرفت مخالف عرض کنم وزارت دارائی سالیان دراز است که این املاک را درست داشته خوب باید اداره می‌کند و بالتبع چه راجع بعمل بهره برداری از این املاک وجه راجع بخصوصیات و وضعیت و حدود و غیره آنها - سوابق متصل و اطلاعات زیادی در وزارت دارائی هست علاوه بر سوابق و دفاتر و پرونده‌ها و اسناد و مدارکی که راجع بخالصجات در این وزارتخانه موجود میباشد در این وزارتخانه کارمندی هستند که سالها با کارهای مربوط باین املاک تماس نزدیک داشته و تمام پرونده ها و سوابق موجود در دسترس و مورد مراجعه آنها بوده و اطلاعات ذهنی زیاد و بسیار مفیدی و ذی قیمتی راجع باین املاک دارند که کسب این اطلاعات برای دیگران مستلزم مدت ها صرف وقت و ممارست است بهره برداری از این املاک که شاید تعداد آنها متجاوز از ۱۷۰۰ پارچه باشد و تصور می‌کنم املاک مهمی مانند امین آباد نزدیک تهران که اراضی آن شاید بالغ بر چند صد هکتار زمین مرغوب است در جریان بوده و هر گونه نقل و انتقالی در این املاک داده شود موجب وارد آمدن لطمه باین بهره برداری و از دست رفتن درآمد هائی که در سال شاید بالغ بر چند میلیون تومان است خواهد بود

اگر فرضاً نظر این بود که این املاک از وزارت دارائی منتزع و به بانک کشاورزی برای بهره برداری و اداره کردن واگذار شود شاید محتمل برای انتقال آنها فرض مشدولی اینکه این املاک بیانک و اگذار شود که این بانک آن هارا بفروشد علی‌الذات سوابق ضروری است و مثل این است که بگوئیم وزارت دارائی که سالیان دراز است این املاک را درست

دارائی که سالیان دراز است این املاک را درست عمل خواهد داد.
بانک کشاورزی در حال حاضر تابع وزارت دارائی نبوده و اگر درست بخاطر داشته باشیم تابع سازمان برنامه است و البته سازمان برنامه هم دارای يك قانون علیحد و آزادی عمل بی حد و حصری است که بالطبع بر آزادی عملی که بانک کشاورزی دارد افزوده شده نتیجه این خواهد بود که این سازمان آزاد وقتی خالصجات به آنها واگذار شد هر عملی بخواهند نسبت به آنها انجام دهند احتیاجی به قانون و مقرراتی که ما امروز در باره آنها بحث می‌کنیم ندارند بنا بر این انتقال این املاک به بانک کشاورزی ابداً مورد ندارد بخصوص که در این قانون هم قید شده است وزارت دارائی مأمور اجرای آن است و وقتی وزارت دارائی مأمور اجرای يك قانونی شد اجرای آن بدست يك سازمان مستقل دیگری مورد نخواهد داشت (بسیار صحیح است)

حاذقی - مذاکره در این باب کافی است آقای رئیس.
نایب رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - این ماده سوم بنظر بنده اساس کار این لایحه است که باید طرز تقسیم بزاره‌ها و کشاورزان طوری باشد که آن ها بتوانند از این فروش املاک استفاده کنند نه این که مثل بعضی از نقاط که در گذشته تقسیم شد و در نتیجه نه زارع نتوانست استفاده کند نه دولت بطوریکه آقای نریهان اظهار کردند بيك ضروری وارد شد بنده نظر خودم این است که این دستگاه وزارت دارائی مجهزتر است برای اینکار تا اینکه ما این املاک را منتقل کنیم به يك جای دیگری (صحیح است) این عمل باعث میشود که دستگاه جدید چون اطلاعات کافی ندارد شاید نتیجه مطلوب و مفیدی نهد و دستگاه وزارت دارائی در این قسمت که سالهاست عمل کرده

داشتند و اداره کرده و برای حفظ این املاک وظیفه قانونی و مسئولیت و نسبت به آنها اطلاعات زیاد دارد از عهده فروش آنها بر نمی آید ولی بانک کشاورزی که ابداً اطلاعی از این املاک یا بهره برداری و غیر آنها ندارد بهتر از وزارت دارائی از عهده اینکار بر خواهد آمد.

تنها دلیلی که برای این عمل غلط ممکن است اقامه شود این است که بانک کشاورزی برای فروش این املاک از آزادی عملی که دارد و تابع مقررات قانون محاسبات عمومی و غیره نیست استفاده خواهد کرد برای فروش املاک دولت اجازه مجلس شورای ملی را لازم دارد و باید بموجب قانونی که مطرح است انجام شود و در این قانون هر راه عملی که عاقلانه برای اینکار ضرورت دارد باید در نظر گرفته و تصویب شود و با این ترتیب دیگر چه احتیاجی به آزادی عمل هست و تازه اگر فکر کنیم که باز محتاج به آزادی عمل خواهد بود بقیه من باید از یکچنین آزادی عملی که نشود گفت ترسید مقدرات يك خالصجاتی را که شاید میلیونها تومان ارزش دارد و جزو اموال عمومی است نمی‌شود بدست اینطور آزادی عمل هاراد.

بانک کشاورزی در حال حاضر تابع وزارت دارائی نبوده و اگر درست بخاطر داشته باشیم تابع سازمان برنامه است و البته سازمان برنامه هم دارای يك قانون علیحد و آزادی عمل بی حد و حصری است که بالطبع بر آزادی عملی که بانک کشاورزی دارد افزوده شده نتیجه این خواهد بود که این سازمان آزاد وقتی خالصجات به آنها واگذار شد هر عملی بخواهند نسبت به آنها انجام دهند احتیاجی به قانون و مقرراتی که ما امروز در باره آنها بحث می‌کنیم ندارند بنا بر این انتقال این املاک به بانک کشاورزی ابداً مورد ندارد بخصوص که در این قانون هم قید شده است وزارت دارائی مأمور اجرای آن است و وقتی وزارت دارائی مأمور اجرای يك قانونی شد اجرای آن بدست يك سازمان مستقل دیگری مورد نخواهد داشت (بسیار صحیح است)

حاذقی - مذاکره در این باب کافی است آقای رئیس.
نایب رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - این ماده سوم بنظر بنده اساس کار این لایحه است که باید طرز تقسیم بزاره‌ها و کشاورزان طوری باشد که آن ها بتوانند از این فروش املاک استفاده کنند نه این که مثل بعضی از نقاط که در گذشته تقسیم شد و در نتیجه نه زارع نتوانست استفاده کند نه دولت بطوریکه آقای نریهان اظهار کردند بيك ضروری وارد شد بنده نظر خودم این است که این دستگاه وزارت دارائی مجهزتر است برای اینکار تا اینکه ما این املاک را منتقل کنیم به يك جای دیگری (صحیح است) این عمل باعث میشود که دستگاه جدید چون اطلاعات کافی ندارد شاید نتیجه مطلوب و مفیدی نهد و دستگاه وزارت دارائی در این قسمت که سالهاست عمل کرده

دارائی که سالیان دراز است این املاک را درست عمل خواهد داد.
بانک کشاورزی در حال حاضر تابع وزارت دارائی نبوده و اگر درست بخاطر داشته باشیم تابع سازمان برنامه است و البته سازمان برنامه هم دارای يك قانون علیحد و آزادی عمل بی حد و حصری است که بالطبع بر آزادی عملی که بانک کشاورزی دارد افزوده شده نتیجه این خواهد بود که این سازمان آزاد وقتی خالصجات به آنها واگذار شد هر عملی بخواهند نسبت به آنها انجام دهند احتیاجی به قانون و مقرراتی که ما امروز در باره آنها بحث می‌کنیم ندارند بنا بر این انتقال این املاک به بانک کشاورزی ابداً مورد ندارد بخصوص که در این قانون هم قید شده است وزارت دارائی مأمور اجرای آن است و وقتی وزارت دارائی مأمور اجرای يك قانونی شد اجرای آن بدست يك سازمان مستقل دیگری مورد نخواهد داشت (بسیار صحیح است)

حاذقی - مذاکره در این باب کافی است آقای رئیس.
نایب رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - این ماده سوم بنظر بنده اساس کار این لایحه است که باید طرز تقسیم بزاره‌ها و کشاورزان طوری باشد که آن ها بتوانند از این فروش املاک استفاده کنند نه این که مثل بعضی از نقاط که در گذشته تقسیم شد و در نتیجه نه زارع نتوانست استفاده کند نه دولت بطوریکه آقای نریهان اظهار کردند بيك ضروری وارد شد بنده نظر خودم این است که این دستگاه وزارت دارائی مجهزتر است برای اینکار تا اینکه ما این املاک را منتقل کنیم به يك جای دیگری (صحیح است) این عمل باعث میشود که دستگاه جدید چون اطلاعات کافی ندارد شاید نتیجه مطلوب و مفیدی نهد و دستگاه وزارت دارائی در این قسمت که سالهاست عمل کرده

دارائی که سالیان دراز است این املاک را درست عمل خواهد داد.
بانک کشاورزی در حال حاضر تابع وزارت دارائی نبوده و اگر درست بخاطر داشته باشیم تابع سازمان برنامه است و البته سازمان برنامه هم دارای يك قانون علیحد و آزادی عمل بی حد و حصری است که بالطبع بر آزادی عملی که بانک کشاورزی دارد افزوده شده نتیجه این خواهد بود که این سازمان آزاد وقتی خالصجات به آنها واگذار شد هر عملی بخواهند نسبت به آنها انجام دهند احتیاجی به قانون و مقرراتی که ما امروز در باره آنها بحث می‌کنیم ندارند بنا بر این انتقال این املاک به بانک کشاورزی ابداً مورد ندارد بخصوص که در این قانون هم قید شده است وزارت دارائی مأمور اجرای آن است و وقتی وزارت دارائی مأمور اجرای يك قانونی شد اجرای آن بدست يك سازمان مستقل دیگری مورد نخواهد داشت (بسیار صحیح است)

حاذقی - مذاکره در این باب کافی است آقای رئیس.
نایب رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - این ماده سوم بنظر بنده اساس کار این لایحه است که باید طرز تقسیم بزاره‌ها و کشاورزان طوری باشد که آن ها بتوانند از این فروش املاک استفاده کنند نه این که مثل بعضی از نقاط که در گذشته تقسیم شد و در نتیجه نه زارع نتوانست استفاده کند نه دولت بطوریکه آقای نریهان اظهار کردند بيك ضروری وارد شد بنده نظر خودم این است که این دستگاه وزارت دارائی مجهزتر است برای اینکار تا اینکه ما این املاک را منتقل کنیم به يك جای دیگری (صحیح است) این عمل باعث میشود که دستگاه جدید چون اطلاعات کافی ندارد شاید نتیجه مطلوب و مفیدی نهد و دستگاه وزارت دارائی در این قسمت که سالهاست عمل کرده

دارائی که سالیان دراز است این املاک را درست عمل خواهد داد.
بانک کشاورزی در حال حاضر تابع وزارت دارائی نبوده و اگر درست بخاطر داشته باشیم تابع سازمان برنامه است و البته سازمان برنامه هم دارای يك قانون علیحد و آزادی عمل بی حد و حصری است که بالطبع بر آزادی عملی که بانک کشاورزی دارد افزوده شده نتیجه این خواهد بود که این سازمان آزاد وقتی خالصجات به آنها واگذار شد هر عملی بخواهند نسبت به آنها انجام دهند احتیاجی به قانون و مقرراتی که ما امروز در باره آنها بحث می‌کنیم ندارند بنا بر این انتقال این املاک به بانک کشاورزی ابداً مورد ندارد بخصوص که در این قانون هم قید شده است وزارت دارائی مأمور اجرای آن است و وقتی وزارت دارائی مأمور اجرای يك قانونی شد اجرای آن بدست يك سازمان مستقل دیگری مورد نخواهد داشت (بسیار صحیح است)

دارائی که سالیان دراز است این املاک را درست عمل خواهد داد.
بانک کشاورزی در حال حاضر تابع وزارت دارائی نبوده و اگر درست بخاطر داشته باشیم تابع سازمان برنامه است و البته سازمان برنامه هم دارای يك قانون علیحد و آزادی عمل بی حد و حصری است که بالطبع بر آزادی عملی که بانک کشاورزی دارد افزوده شده نتیجه این خواهد بود که این سازمان آزاد وقتی خالصجات به آنها واگذار شد هر عملی بخواهند نسبت به آنها انجام دهند احتیاجی به قانون و مقرراتی که ما امروز در باره آنها بحث می‌کنیم ندارند بنا بر این انتقال این املاک به بانک کشاورزی ابداً مورد ندارد بخصوص که در این قانون هم قید شده است وزارت دارائی مأمور اجرای آن است و وقتی وزارت دارائی مأمور اجرای يك قانونی شد اجرای آن بدست يك سازمان مستقل دیگری مورد نخواهد داشت (بسیار صحیح است)

و ماورین درستکار و مفیدی هم در آنجا است که بنده اغلب از آنان رامیشناسم برای انجام این کار آمادهتر و مفیدتر است چون این اولین قدمی است که برای اصلاحات برداشته میشود باید خیلی دقت کرد که يك نتیجه مفیدی بدهد نه اینکه مملکت مسموم شود. اگر این عملی که امروز دولت و وزارت دارائی در نظر گرفته بطور دقت و صحیح اجرا کنند نتیجه این میشود که ما باید بعد از مدتی معتقد باین فکرم بشویم که این عملی نیست و تئوری است جنبه عملی و پراگماتیک ندارد بنده خواستم عرض کنم که مخصوصاً اگر خواستید اسناد این را به بانک کشاورزی بدهید که برهیا و کشاورزان بدهد این مانعی ندارد و بنده باین قسمت مغالط نیستم که بسرمایه بانک کشاورزی این اوراق و اسناد واگذار شود ولی خود وزارت دارائی باید فروشنده باشد زیرا از جریان با اطلاع است و در عمل و در آخر کار نتیجه هم برای دولت و هم برای زارعین و هم برای این مقصود مسلماً بهتر است و يك قسمت دیگری که میخواستم عرض کنم گویا یکی از آقایان آقای دولتشاهی بود که فرمودند این بیست و چهار هزار ریال برای يك خانواری که میخواهد در ده زندگی کند ماهی دوست تومان خیلی چیز نا قابلی است خود این ملك داری هوارضی دارد، تکالیفی دارد این مملکت. شاید صدی شصت مملکت ماخرده مالک است یعنی خودش زارع است و خودش مالک است و عمل میکند هر شهرستانی که شما فکر کنید در حدود صدی شصت صدی شصت و پنج زارع و کشاورزی هستند که خودشان مالک هستند و وسایل دارند و عمل میکنند و باید فهمید که وضع اینها چیست غالب اینهایی که می بینید فقیر شده اند و کارگر شده اند اینها از آن دسته بوده اند که درآمدشان برای تکسافوی زندگی شان کافی نبوده است، شما جناب آقای وارسته وزیر دارائی مخارج زندگی را در نظر بگیرید زیرا دولت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی هیچ توجه به بنیه اقتصادی مردم ندارند، بوجه ته و بی می کنند و مالیات وضع میکنند، امروز مردم در زیر بار این مالیات سنگینی که بوشان گذاشته شده کمرشان خم شده است (صحیح است) این را بنده صریحاً عرض میکنم که آن طبقه ای که مولد ثروت هستند و آن طبقه زحمتکش بنده اینجا برای نمونه عرض میکنم شما از دغانبانی که در ظرف این ۲۰ ساله اخیر انحصار شده ۱۷۰ میلیون تومان مالیات میگردد این را کی میدهد؟ آن مرد بیچاره ای که چق دستش است و چق میکشد، شما از صبح تا شب از او مالیات میگردد از تنوهای او مالیات میگردد مگر آنکسی که یگشاهی دو شاهی ملك باو دادیم نژردم این مملکت نیست تمام این طبقه کلوگر و مردم فقیری که پیدا شده تمام اینها صاحب آب و گاو و زمین بوده اند و در نتیجه این مالیاتهای سنگین این ۲۰ ساله تدریجاً فقیر شده اند، ضعیف شده اند، ملكش را فروخته يك پولداری و آمده جزو کارگرم و جزء یكارهای مملکت. بنده اینجا اقتام فرصت میکنم و ببولت عرض میکنم عقیده بنده اینست تا وقتی که بوجه را نیآورده اید دولت باید بدو بدو بوجه تجدید نظر بکند و این مالیاتهای

غیر مستقیم را از دوش مردم بردارد مردم طاقت و توانایی ندارند اینقدر مالیات سنگین بدهند که مصرف يك زندگی تجملی بشود که سه تا پول برای این مملکت ارزش ندارد (صحیح است) آنوقت باز هم می کسر بوجه داشته باشیم و در مجلس ناله کنیم که کسر بوجه داریم، تکلیف اینکار را، بالاخره بنده اینجا بنام یکنفر وکیل که شاید يك کمی هم بی اطلاع نیستم عرض میکنم که بوجه شما اگر تعدیل نشود و اگر این مالیاتهای غیر مستقیم سبک نشود از مجلس شورای ملی نخواهد گذشت (صحیح است) این مضارجات را کم کنید، مثل معروفی است که میگویی چودخلت نیست خرج آهسته تر کن ما داریم دائماً برای خودمان خرج زیاد میکنیم، دائماً داریم بيك طرفی میرویم که معلوم نیست هفتیش کجاست، درآمدمان کجاست سرچشمه تولیدمان خشکیده شده از بین رفته و دائماً می داریم مخارج اضافی درست میکنید این مطالب زیاد مربوط باین ماده نبود ولی یکنفردی وابستگی دارد، يك زارع که امروز مجلس ملكی باو واگذار میکند و هبات میکند باو، وضع دولت و اولیای امور و هبت حاکمه باید طوری باشد که نان خودش را داشته باشد بخورد. بنده اعتقاد اینست که باید این را باند تومان بکنید یعنی ۲۰۰ تومان بشود پنجاه هزار ریال (قاسم فولادوند - شش هزار ریال) و در این موضوع هم پیشنهادی میدهم و تصور میکنم کیسیون دارائی هم باید باین موضوع توجه داشته باشد که امروز اگر کسی بخواهد در این مملکت زندگی بکند، يك زندگی اهادی و معمولی از روزی ده پانزده تومان خرجش کمترین نیست، این اشخاص را نگاه کنید، عرض کردم که تمام از صبح تا شب باید مالیات بدهند، این يك جمله را هم عرض میکنم و از خدمت شما مرخص میشوم مملکت ما که مملکت بترین وقت است شما به بنیه از این کشاورز و از این خرده مالک بیچاره چقدر مالیات نقت میگردد (صحیح است) يك چراغ که جلو يك زارع در شب گذاشته میشود از آن مالیات میگردد و حقیقه این مالیات فوق العاده میدهد ساختن جاده و اسفالتی هم در بین نیست همه اش را که مانده مگر اینکه با همت دولت جدید و وزرائی که غالباً اشخاصی هستند که سوابقشان در خدمات اجتماعی خوب بوده انشاء الله قسمتهای برداریم. بنده پیشنهاد خودم را هم تقدیم میکنم.

نایب رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکره رسیده است که قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مذاکره در اطراف ماده ۳ کافی است. دهقان. و بهمین مضمون هم پیشنهادی از آقای حاذقی رسیده است.

نایب رئیس - آقای دهقان.

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست.

آزاد - آقای دهقان مخالفی نیست برای صحبت میکنید؟

قاسم فولادوند - بنده مخالفم.

دهقان - عرضم بصورتان بنده اصولاً از

مجموع مذاکراتی که راجع باین لایحه در مجلس شده است اینطور استنباط میکنم که همه آقایان با اصل این لایحه موافقت منتهی هر يك يك نظریات اصلاحی دارند و مذاکره در کلیات هم تأمین نظر اصلاحی آقایان را نمیکند بلکه نظر اصلاحی را باید بوسیله پیشنهاد تقدیم کنند که ضمن لایحه مورد تصویب آقایان واقع شود و نظر آقایان تأمین شود بنابراین مذاکره در کلیات جز اتلاف وقت نتیجه دیگری ندارد. خواستم استدعا کنم که اجازه داده شود که مذاکرات کافی بشود که وارد پیشنهادات بشویم ضمناً يك سؤالی از آقای وزیر کشاورزی راجع به هبت تصفیه بنه داشته خواهم میکنم زودتر برای جواب تشریف بیاورند.

نایب رئیس - آقای فولادوند.

قاسم فولادوند - بنده خواستم بهمان دلیل که آقای دهقان فرمودند که تمام آقایان باین لایحه موافقت عرض کنم بهمین دلیل اجازه بفرمایید که يك قدری بیشتر در اطراف این لایحه صحبت بشود نظر اصلاحی آقایان و کلا گفته بشود شاید نفع مردم و زارعین بشود از فرمایشات آقایان استفاده کرد.

نایب رئیس - رای میگردد بکفایت مذاکرات در ماده سوم لایحه آقایان باینکه موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهادات قرائت میشود (پیشنهادات آقایان نمایندگان شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره زیر - ماده سوم علاوه شود: تبصره خالصجات بپورمخصوصاً بزراعت بلوچ و در درجه اول بکسانی که در محل بالورانه مدهی مالکیت هستند و دلائلی دارند فروخته شود مهدی ارباب.

پیشنهاد میکنم اراضی بایر و بلا صاحب که در سیستان برایگان بزراعت و افراد واگذار شده و شروع با بادی و عمران کرده متصرف هستند از این قانون مستثنی و مالک آن احیا کننده میباشد در تمام کشور اراضی و املاکی خالصه شناخته میشود که دولت از آن بهره برداری میکند. مهدی ارباب.

پیشنهاد میکنم تبصره زیر ب ماده سوم علاوه شود تبصره - املاک خالصه که از سال ۱۳۲۰ بپید بکشاورزان مقیم محل فروخته شده و اقساط آن تا کتون وصول نشده است وزارت دارائی می تواند بهای آنرا با قسط پنج ساله وصول نماید - محمدعلی مسعودی.

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بقانون تقسیم خالصجات اضافه شود:

تبصره - مالکین مکلفند کسانی را که سابقه کشاورزی در املاک آنان داشته و یا دارند و بدون جهت موجه و مدلی بعنوان نبودن کار از ده خارج شده و میشوند در املاک خود مشغول کار کشاورزی بنایند. کشاورز صدر.

پیشنهاد میکنم در ماده ۳ مقداری که از زمینهای آبی با آب واگذار میشود از یکصد هکتار نباید تجاوز نماید. شهاب خسروانی.

پیشنهاد میکنم در ماده (۳) ۱ - جزو امضاء

کیسیون فروش (رئیس دادگستری محل) هم اضافه شود.

۲ - همانطور که حداقل آب و زمین در ماده سوم تعیین شده حداکثر هم تعیین شود که بهر خریدار چه مقدار آب و زمین باید داده شود که بعداً ماورین آتبیش ننمایند. قاسم فولادوند.

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم بقسمت آخر بند ۲ ماده ۳ بداز عبارت تخمیناً بیست و چهار هزار ریال درآمد خالص اضافه شود. و حداکثر چهل هزار ریال درآمد خالص برای خریدار داشته باشد. موسی گودرزی.

ریاست مجلس شورای ملی.

در ماده ۳ که حداقل زمین را که باید فروخته شود تعیین کرده ولی حداکثر را تعیین نکرده پیشنهاد میکنم حد اکثر برای هر خریدار دو مقابل حداقل تعیین شود. آزاد.

ریاست مجلس شورای ملی

در ماده ۳ علاوه بر یک نفر مطلع و نماینده بانک و ثبت رئیس دارائی هم اضافه شود. آزاد.

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

کیسیون فروش و تقسیم اراضی خالصه مرکب است از ۳ نفر از متدین محل که بطریق اخذ رای از طرف زارعین انتخاب می شوند و نماینده بانک یا وزارت دارائی - محمدرضا آشتیانی زاده.

مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۳ حداقل از بیست و چهار هزار ریال به شصت هزار ریال ترقی داده شود ابوالفتح دولتشاهی.

ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم تبصره زیر برای تصویب مطرح گردد - سلطانی، دکتر راجی

تبصره - اراضی خالصه دولت که دارای آب و نسق موجود میباشد فقط بکسانی واگذار می شود که دارای آب و زمین بوده و در آن ملک مقیم گردند و دارای مستغلات و مشاغل هایدی دار که هواید آنها سالانه به شصت هزار ریال برسد نباشند.

بکسانی که اراضی آنها در سال کمتر از شصت هزار ریال هایدی دارد به نسبت آن کسری دولت مجازات که اراضی و آب (بقدر احتیاج) با آنها واگذار کند.

پیشنهاد میکنم ماده سوم افزوده شود: یکنفر نماینده دادرسی محل حاذقی.

ریاست مجلس شورای ملی - در ماده ۳ بجای ۲۴۰

ریال نوشته شود معانی بین رهیا بقسمت شود. آزاد

اینجا بنده محدود تر بیان پیشنهاد میکنم. اولاً فروش خالصجات توسط بانک کشاورزی انجام نشود بلکه وزارت دارائی اینکار را انجام دهد کیسیون هم که برای فروش در ماده سوم ذکر شده برای این امر صلاحیت لازم را ندارد و باید از اشخاص معتد که نحوه انتخاب و ترکیب آن را توسط مقام ریاست کیسیون دارائی تقدیم خواهم نمود تشکیل گردد. نمایان پیشنهاد میکنم جمله زیر ب ماده سوم افزوده شود حداکثر مقدار ملكی که به ملكیت به يك زارع

انتقال می باید بطور متوسط در آمد سالانه آن بیش از شصت هزار ریال نباشد. حاذقی

پیشنهاد میکنم هر زارعی که ملكی را اکتساده است عین آن ملك باو واگذار گردد و در مقابل قیمت بهره مالکانه دو سال آن را دولت در هر سال اخذ نماید. غلامرضا فولادوند.

نایب رئیس - پیشنهادات بکیسیون دارائی مراجعه میشود و حالا ماده ۴ از قانون مطرح است (شرح زیر قرائت شد)

ماده ۴ - تا تمام اقساط از طرف خریدار تأدیبه نشده خریدار حق فروش باواگذاری بشرط ندارد اگر خریدار فوت نماید وارث باوراث قانونی جانشین خریدار خواهند شد و مقررات و مزایای این قانون شامل وراث متوفی بالشارک خواهد بود. وراث متوفی مکلفند در عرض ششماه برای قبول تعهدات ناشیه از واگذاری ملك سازش نموده و از بین خود یکنفر را بنماینند که معین معرفی نمایند و در صورتی که سازش مقدر نشود نماینده معرفی نگردد دادستان محل در ظرف مدت یکماه از تاریخ تقاضای بانک يك نفر را که صالح تر بداند بنماینند که تعیین خواهد نمود اگر در بین وراث شخصی یا اشخاصی باشند که از کار کردن بشرکت خودداری نمایند میتوانند سهم خود را بسایرین بفروشند. بانک در صورت عدم پرداخت هر يك از اقساط اختیار نسخ خواهد داشت.

نایب رئیس - آقای قبادیان.

قبادیان - بنده نسبت بفروش خالصجات به کشاورزان کمال موافقت را دارم و این لایحه يك نصیحتی هم دارد که لازم است بعرض مجلس شورای ملی و مخصوصاً جناب آقای وزیر دارائی برسانم و استدعا میکنم توجه معطوف بدارند در اینکه فروش خالصجات برهیا کمال لزوم را دارد بلکه يك ارفاق نسبت بفرده مالکین و کشاورزان جزء بشود و از این راه زندگی آنها تا حدودی تأمین بشود هیچ حرفی نیست و بی نهایت اسباب خوشوقتی مجلس شورای ملی است که دولت در وهله اول يك همچو قدم مؤثری برای بهبودی و رفاه مردم برداشته است متأسفانه در خالصجات دولتی خیلی افراط و تفریط شده و اگر شما بخواهید روی خالصجات دولتی این تقسیمات را انجام بدهید و فروش برسانید من خیال میکنم همه زبانی از خرده مالکین از این حیث ترغیم اشکال و معظورات زندگی شان بشود و بتوانند سرمایه ای از این راه برای خودشان فراهم بکنند و ممکن است آبادی کشور هم بهمین وسیله تأمین بقدر يك قسمت از خالصجات دولتی قیلا فروخته شده و يك قسمت هم در دست بعضی هائوز تکلیفش معلوم نیست و مخصوصاً در قسمتهای قرب خالصجات دولتی هم زیاد بوده يك قسمت با املاک واگذاری تمویض شده که اخیراً هم موقوفه امایحضرت پهلوی تصویب شده و يك قسمت دیگرش هم باشخصی متفرقه داده شده متلادو کرمانشاه عمده ای از خوانین مازندران که املاکشان در دوره امایحضرت پادشاه قید خریداری شده یا گرفته شده و اینها را فرستاده اند بکرمانشاه از آنجا گرفته اند و در عوض املاکی خالصجات دولتی باین اشخاص واگذار شده. الان در حدود ۱۸ سال

۲۰ سال از این مدت بگذرد. اخیراً وزارت فرهنگ و اداره اوقاف نسبت باین خالصجاتی که با املاک مردم موز شده ادما میکنند که اینها موقوفات است و در آن زمان که این املاک بعنوان خالصه بان خرده مالکین مازندران واگذار شده حالا بایستی دوباره مسترد بشود و یکمده مردم بدبخت الان دچار زحمت هستند، اینها از خوانین محلی مازندران بودند و از مالکین محترم که فعلاً در کرمانشاه زندگی میکنند علاوه يك قسمت از این املاک را اینها ب مردم فروخته اند این قسمت را بنده خواهم میکنم جناب آقای وزیر دارائی در نظر بگیرند که تکلیف اینها این مردمی را که املاکشان را گرفته اند و املاک دیگری با آنها داده اند، روشن بکنند که رفع مزاحمت اداره اوقاف از این خرده مالکین بشود و اگر هم بناهت بعنوان موقوفه این املاک را اینها ببرند آن املاک اولیه شان را بآنها مسترد بکنند یا اینکه بیزان این املاکی که الان در دستشان هست از خالصجات دولتی واگذار کنند که این مردم بیچاره از بین نروند و موضوع دیگری هم که میخواستم تذکر بدهم و بنظر بنده خیلی هم اهمیت دارد در حدود صدوه یارچه آبادی در حدود کلهر بنام ایوان و سومار را دادگاه تجدید نظر بنام خالصه بودن حکم صادر کرده است و الان این املاک هم در دست سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است، بنده هم کمال موافقت را دارم که سازمان شاهنشاهی قوه مالیش زیاد بشود و بتواند خدمات بیشتری بملت ایران نشان بدهد ولی چون موضوع خالصه در حکم دادگاه قید شده این را رسیدگی بفرمایید که تکلیف اینطور املاک چیست آیا باید آنها هم جزء هدین املاک خالصجات دولتی میان زارعین تقسیم بشود یا اینکه مربوط بسازمان شاهنشاهی است. اینهم يك موضوعی بود که بنده میخواستم تذکر بدهم ببولت راجع باین موضوع و خوبست تکلیف این قسمت را وزارت دارائی روشن بکند (شوشتری - این را باید اول معکه تکلیفش را معین بکند) معکه تکلیفش را معین کرده، بعنوان خالصه رای داده و يك قسمتش را هم بعنوان ملك شخصی رای داد اما آنها را که بعنوان خالصه جزاین خالصه ها بایستی تقسیم بشود و بفروش برسد بزارعین یا اینکه بسازمان واگذار بشود بنده در اصلش حرفی نداده و عقیده ام اینست که دولت این موضوع را روشن بکند که بعداً دچار اشکل نشود، دادگاه گفته است که این خالصه است و رعیت هم میگردد که ما مطالب خریداری اینها هستیم و اگر وقتی آمدند اینجا و شکایت کردند و شما نتوانستید آن محل را به آنها بفروشدید در واقع قانون یکی از بین رفته و دیگر قانون اجرا نشده و عقیده ای هم ندارد. اینست که بنده خواستم این قسمت را روشن بفرمایید و مخصوصاً نسبت بفرده مالکین مازندران که در قسمت کرمانشاه املاکشان را تحویض کرده اند و اداره اوقاف الان این املاک را بعنوان موقوفه مضایه میکنند رفع مزاحمت از این خرده مالکین بکنند

چون اینها مردمان محترمی هستند و دارای مالیه هستند همه زیادی هم هستند و خدا را خوش نمی آید که بکلی هم از آنها املاکشان را بگیرند و این املاک که بآنها داده اند این را هم بگیرند و یک قسمت از این املاک هم فروخته شده است بر دم و استعدا دارم که در لایحه این قسمتها روشن بفرمائید (احسن).

نایب رئیس - آقای حاذقی.

بطوریکه مکرر تجربه شده هر چه مواد قانون صریحتر و مختصرتر باشد اجرای آن سهلتر صورت میگیرد. در ماده چهارم پیش بینی شده است که اگر زارع و کشاورزی که طرف انتقال ملک خالصه واقع شده فوت بکند پیش از اینکه اقساطش را بپردازد، برای وراثت آنها یک تکالیفی معین شده است که این بنظر من یک قدری مبهم می آید و انتظار داشتم که یک قدری روشنتر باشد. اگر اقساطش داده بشود بدیهی است که جزء ملک آنهاست، بر حسب فرض قانون مدنی که مطابق فرض اسلامی است تقسیم میشود، حالا اگر بدیههائی دارد ترتیب بدیههها را باید تعیین کرد بطوری که این اشکال پیش نیاید و مدتی که برای روشن کردن کسر کردن کار پیش بینی شده است این شش ماه بنظر من زیاد می آید خوب بود یک مدت کمتری باشد برای اینکه بنظر من بهره برداری از یک ملک در عرض ۳ چهار ماه میشود اگر یک ملک شش ماه تکلیفش معلوم نباشد برای زراعت سال بعد یا صیفی یا شتوی وقت فوت میشود و ممکن است یک دوره بهره برداری از ملک متوقف بشود اینکار بنظر من بهتر است که در عرض یکماه یا سه روز اینکار روشن بشود. موضوع دیگر مسئله اختیار فسخی است که برای بانک قائل شده اند این بایستی در این مورد یک تشریفات از قبیل اخطار و ابلاغ بطور روشن پیش بینی بشود که بانک کشاورزی نتواند باستناد اینکه چون فلان قسط از بده وراثت صاحب این ملک که بآنها واگذار شده است پرداخته نشده من این معامله را فسخ میکنم نه اینکه باین ترتیب برای تزییع حق وراثت یک اقدام سریعی بکنند و حتی از اشخاص فوت بشود که جبران آن آسان نباشد.

نایب رئیس - آقای قاسم فولادوند فولادوند - بنده قلا خاطر جناب آقای وزیر

دارائی را بخواهیم بکنیم که راجع بعدا کتر و حداقل همانطوریکه عرض شد در این املاک توجهی بفرمائید و حتی راجع بپایه ۴ پیشنهاد میکنم که دهقانی که این املاک بآنها داده میشود تا بیست سال حداقل حق فروش این املاک را به هیچ قسم ندارند زیرا منظور از تقسیم این اراضی خالصه این است که دولت میخواهد رها یارا دارای آب و زمین بکند و اگر اجازه فروش بآنها داده شود این منظوره از بین خواهد رفت

ما هنوز که ملاحظه فرمودید در قسمت اراضی که به مستخدمین جزء تقسیم شد باینکه در قانون این کار نوشته شده بود که حق فروش ندارند ولی بنظر من مشتت باسم اجازه نود و نه ساله باسم اجازه می داند اگر الان تحقیق بفرمائید این مستخدمین جزء در اثر نداشتن وسیله ای این املاک را به تن بخرده اند

نایب رئیس - آقای حاذقی. بطوریکه مکرر تجربه شده هر چه مواد قانون صریحتر و مختصرتر باشد اجرای آن سهلتر صورت میگیرد. در ماده چهارم پیش بینی شده است که اگر زارع و کشاورزی که طرف انتقال ملک خالصه واقع شده فوت بکند پیش از اینکه اقساطش را بپردازد، برای وراثت آنها یک تکالیفی معین شده است که این بنظر من یک قدری مبهم می آید و انتظار داشتم که یک قدری روشنتر باشد. اگر اقساطش داده بشود بدیهی است که جزء ملک آنهاست، بر حسب فرض قانون مدنی که مطابق فرض اسلامی است تقسیم میشود، حالا اگر بدیههائی دارد ترتیب بدیههها را باید تعیین کرد بطوری که این اشکال پیش نیاید و مدتی که برای روشن کردن کسر کردن کار پیش بینی شده است این شش ماه بنظر من زیاد می آید خوب بود یک مدت کمتری باشد برای اینکه بنظر من بهره برداری از یک ملک در عرض ۳ چهار ماه میشود اگر یک ملک شش ماه تکلیفش معلوم نباشد برای زراعت سال بعد یا صیفی یا شتوی وقت فوت میشود و ممکن است یک دوره بهره برداری از ملک متوقف بشود اینکار بنظر من بهتر است که در عرض یکماه یا سه روز اینکار روشن بشود. موضوع دیگر مسئله اختیار فسخی است که برای بانک قائل شده اند این بایستی در این مورد یک تشریفات از قبیل اخطار و ابلاغ بطور روشن پیش بینی بشود که بانک کشاورزی نتواند باستناد اینکه چون فلان قسط از بده وراثت صاحب این ملک که بآنها واگذار شده است پرداخته نشده من این معامله را فسخ میکنم نه اینکه باین ترتیب برای تزییع حق وراثت یک اقدام سریعی بکنند و حتی از اشخاص فوت بشود که جبران آن آسان نباشد.

است و چند سالش در آنجا ساکن بوده اند این از آنها نخواهد رفت و ملک را هم که زراعت کرده بشود او واگذار میکنند اما پولی که میخواهیم از او بگیریم بچه نعو باید باشد؟ اگر بخواهیم بقیه امروزیه کنیم خرواری دویست تومان و جو خرواری ۱۰۰ تومان اینرا نباید بپول را باین میزان بدهد. این اسباب زحمت میشود برای این که بیک وقت کنیم در این مملکت خرواری ده تومان است و بیک وقت خرواری چهار صد تومان بنده در همان پیشنهاد ذکر کردم که بهره مالکانه آن ملک را در ظرف ده سال یا ۸ سال دولت از زارع بگیرد چرا؟ برای اینکه برایش فرق نمیکند سه خروار بکنند یا بیست خروار سه خروار را از او بگیرند و دو خروار دارد همان را از او بگیرند و دیگر این پولی نباید بدهد که با قیمت این محصول بالا و باین برود و زنده گیش را هم بضرر بیندازد وقتی که این املاک را بهمان زارع فروختیم اگر این خیالات سونی که ممکن است مأمورین داشته باشند یا اینکه بک تصوراتی بکنیم که اینها را میخواهند بیکدمه از مالکین بفرشند ازین خواهد رفت و باز باید بهمان زارع اجازه بدهیم که در بین خودشان حق فروش داشته باشند در خود آن ده آقایان اکثر ملک دارند و میدانند که در اکثر املاک که متعلق بیک اربابی است شش دانگ آن ملک یک قطعه اش مال زارعین است، بعضی از آن قطعات یا خانه ها مال زارعین است این زارع حق دارد در آن ده باغ یا بونهزار یا خانه خودش را بفرشد بشود ساکنین آن ده این پیشنهاد را بنده حاضر کردم کالبته در کمیسیون مورد نظر جناب آقای وزیر دارائی قرار خواهد گرفت و این پیشنهاد را هم از این جهت کردم کالبته ما بحسن نیت آقای وزیر دارائی نهایت اعتماد را داریم ولی دیده ایم که شاید آقای وزیر ماله تاشش سال دیگر وزیر نباشند، متصدی این شغل نباشند، ما از بعدش ترس داریم اینست که معتقدیم که بایستی آقایان نمایندگان نهایت سکوش را بکنند که واقعا جلو سوء استفاده مأمورین دولت گرفته بشود بنده استغافه میکنم و میخواستم از آقای وزیر دارائی هم چون مربوط باین قضیه است تشکر بکنم راجع باین انتقالات و تغییراتی که دادند و ضمنا عرض میکنم که در همین اداره املاک هم یک تجدید نظری بفرمائید، در این اداره شما یک مقدار املاک دولتی دارید، یک مقدار املاک مردم است که دولت گرفته است و دست این مأمورین است، عمل اینطور است آقای وزیر دارائی، خدا شاهد است بعقیده و ایمان میگویم که این املاک در خارج دست یکدمه مأمورین است که آنها عمل میکنند، در تهران هم یکدمه مأمور بر آنها حکومت میکنند اینها با هم ساخت و

باخت دارند یک ملک صد هزار تومانی را بدو هزار تومان سه هزار تومان بورا می صورت میدهند (صحیح است) و بقیه اش را خودشان میخورند حالا اگر محکمه املاک خواست حکم بدهد آنوقت شروع به چگیری میکنند، آقا املاک دولت آقایان املال چندتا کردن گفتند میخواهند این املاک را بخورند اینها کاسه از آش گرمتر شده اند بنده رئیس املاک هستم وقتی آمدند با حکم این ملک را از من بگیرند دیگر رئیس املاک حق ندارد هیچگیری بکنند این برای آنست که در آنجا ذینفع است، ذینفع است صاحب نظر است بنده مثل میزنم برای آقایان از جمله اشخاصی که در این مملکت بعد از شهریور ۲۰ رفتند و املاکشان را تصرف کردند بیک ورته والی پشتکوه بود و والی پشتکوه یک چنان خانواده ای بود که در ظرف ۷۰۰ سال اینها همیشه نسل آمدند نسل والی بودند و هیچگاه باین مملکت خجانت نکردند حتی دولت عراق گاهی حاضر میشد کامله مربوط بایران را جزء دولت عراق تصرف کند ولی ملکیت والی پشتکوه باوالیهام میخواست ساخت و باخت کند برای اینکار هیچگاه والیهام حاضر نشدند اینکار را بکنند بعد از واقعه شهریور که هر کس از مالکین لرستان و پشتکوه و غیره رفتند و املاک خودشان را تصرف کردند وراثت والی چون تمهید داده بودند بدولت که هیچوقت تجاوز و جنگ نکنند در تهران ماندند باین خیال که دولت املاک اینها را بدهد، ولی املاک اینها را دولت واگذار نکرد و الان وراثت آنها، یعنی یک خانواده ۷۰۰ ساله و الله در تهران مشغول گدائی هستند (صحیح است) بعد دولت تصویب نامه گذراند که سالی ۶۰ هزار تومان ۵۰ هزار تومان باینها بدهند، بنده خودم رئیس املاک را دیدم که این ۶۰ هزار تومان را هم بآنها نداد همان را که دولت تصویب کرده بود گفت که این و کالتنامه که تو آورده ای چهار نفر از ورته فرضا در بغداد زندگی میکنند، خوب اینها باید بروند در قسولگری امضا کنند، میگوید باید محض رسمی تصدیق کند، آقا از فلان سید که در بغداد است، دختر والی نمیتواند بیاید اینجا به محضر رسمی، آنوقت محکمه همین وزارت دارائی یک قسمت اینها را حکم داده است و پنج قسمتش باقی مانده از بس هیچگیری کردند همین اعضاء اداره املاک محکمه املاک قدرت نکرد اینکار را بکند. حالا من عرض میکنم شما بانها ملک بدهید یا پول بدهید نه، هر کاری میخواهید بکنید ولی عرض میکنم یک تجدید نظری هم در این اداره بفرمائید (صحیح است)

قبادیان - آقای وزیر دارائی وراثت والی پشتکوه و زمینشان خیلی بد است.
غضنفری - صحیح است وضع آنها خیلی بد است.
نایب رئیس - آقای رضوی
رضوی - بنده هر چه نگاه کرده دیده که ماده ۴ جز اینکه باشکال و ابهام این جریان اضافه کند

هیچ نتیجه دیگری ندارد. اولاً تشکیل ماده بنظر بنده اصولاً برخلاف اصول فواین اصلی خرید و فروش و معاملات است. زیرا وقتی تا شد یک ملک، فروخته هر کس، خریدار هر کس، معامله انجام گرفت، بنام این وضعیت جدیدی که در ملک پیدا میشود مالک تازه تا وقتی که شرایط را انجام نداده است. شرایط معامله را، ملک بیک کیفیت خاصی مالکیت او شمرده میشود ولی در این حال اگر قید و شرط بشود و نتواند خرید و فروش بکند بر طبق قانون مدنی حق دارد باینکه ملک محفوظ بماند ولی اگر این فوت شد یک اصولی موجود است باینکه ملک و مال او با همان کیفیت منتقل بدو وارث میشود، وارث میشود جانشین مورث و اصولاً هم دین و قرض مقدم بر ارث است وقتی که قرض داده نشود مال مسلم نمیشود تا اینکه کیفیت بآن تعلق بگیرد بنا بر این چه لازم که در این قانون باین اصولی که از حیث قانون مدنی داریم بیانیم یک کیفیت هم، کیفیت بیج در بیجی هم درست کنیم و بگوئیم اینها باید بنشینند در بین خودشان بکنند و نماینده معرفی کنند و آنطرف باشد با آن مؤسسه فروش را کس سارین نکردند دادستان باید مداخله کند، اینها بنظر بنده با اصول کلی که داریم هیچ لزومی ندارد، از روی اصولی که داریم بنظر بنده اگر موافقت بفرمائید آقایان اصلا ماده ۴ اگر از بیج و بین توی این قانون نباشد ما هیچ ضرری نکرده ایم بلکه بکفایت قانون زیادی از مطالب مهم و مشکلاتی که بواسطه مندرجات این ماده تعلق خواهد گرفت و نظایر اینها از بین رفته است، برای اینکه تمام در کلیاتش موجود است و قانون مدنی حاکم است اگر چنانچه یک مدیونی مرد طبعاً وراثت مدیون هستند که آنها او مدیون است بپردازند. خاصه یک ملکی که وثیقه است و مادامی که پولش داده نشود بملکیت در نمی آید پس آنها خودشان دلسوزانه تر موظف میشوند که کرد هم جمع شده و بیاند بده خودشان را بدهند، شاید هم بنوعی تری، مگر اینکه نداشته باشند آنوقت هم باز کلیات موجود است اینکه در ضمن مقررات خرید و فروش مقرر شده است در قانون مدنی موجود است از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که اجازه بفرمائید ماده ۴ حذف شود زیرا با حذف این ماده در ضمنی قانون و در اصول هیچ تفاوت و تغییری داده نمیشود بنده اگر بشود حالا یک پیشنهادی در حذفش تقدیم میکنم والا در کمیسیون خواهم رفت و عرضمرا خواهم گفت.
مخبر - پیشنهادم بفرمائید
۵ - ختم جلسه بعنوان تنفی
نایب رئیس - ده دقیقه تنفی داده میشود
کشاورز صحر - پیشنهادی داده ام به قرائت بفرمائید (مجلس ۲۰ دقیقه بعد از ظهر بعنوان تنفی تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)
نایب رئیس مجلس شورای ملی - جواد کجی